



بسمه تعالی

مدارا و خشونت در قرآن و اناجیل اربعه (بررسی تطبیقی)

مؤلف :

پروین رضایپور

انتشارات ارسطو

۱۳۹۶

سرشناسه: رضاپور، پروین، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور: مدارا و خشونت در قرآن و اناجیل اربعه (بررسی تطبیقی) / مولف پروین رضاپور.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۴۱۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۲۱۶-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۸۱-۴۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: خشونت -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع: Violence -- Religious aspects -- Islam
موضوع: تساهل -- جنبه های قرآنی
موضوع: Toleration -- Qur'anic teaching
موضوع: تساهل -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع: Toleration -- Religious aspects -- Islam
موضوع: تساهل دینی -- مسیحیت
موضوع: Religious tolerance -- Christianity
موضوع: خشونت -- جنبه های مذهبی -- مسیحیت
موضوع: Violence -- Religious aspects -- Christianity
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ م۴ / ۲ / ۶ / ۲۵۰ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۶۳۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۹۲۹۰

نام کتاب: مدارا و خشونت در قرآن و اناجیل اربعه (بررسی تطبیقی)

مولف: پروین رضاپور

ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

چاپ: مدیران

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۲۱۶-۴

تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

تقدیم به :

ساحت مقدس و روح بلند و ملکوتی دو پیامبر عظیم الشان

«مسیحایی» که مردگان را «زنده» میکرد

و

«محمّدی» که زندگان را «بنده» میکرد.

و تقدیم به: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»

و نیز تقدیم به : «خردمندان هدایت شده‌ای» که با مدارا و قاطعیّت خویش

قول حق را اعتلاء میبخشند.

تقدیر و تشکر

سپاس و ستایش بیکران مخصوص خداوندی است که نعمت هستی را به من ارزانی داشته و مرا از ظلمات وهم و خیال خارج و به نور فهم و هدایت زینت بخشید و گرامی داشت. درهای لطف و رحمتش را به سوی لحظه لحظه عمرم باز نموده تا بتوانم از سرچشمه زلال علوم به قدر وسع و توانم بهره مند شوم و با گذشت زمان نسبت به آن ذات اقدس و ادیان و برگزیدگان الهی اش معرفتی فزونتر یابم.

مراتب سپاس و قدردانی خود را به پیشگاه مدیریت محترم گروه علوم قرآن و حدیث و تمامی اساتید بزرگوار و گرانمایه ای که خالصانه در مسند تعلیم قرار گرفتند و افتخار کسب علم را از محضر شریفشان داشته ام تقدیم می نمایم.

از استاد فرزانه و محبوبم سرکار خانم دکتر دل آرا نعمتی که همیشه کلام قاطع و متین و مهر و مدارای ایشان آرامش بخش دل و وجودشان تماماً نعمت و برکت بود و تالیف اثر حاضر مدیون راهنمایی ها و عنایات و ارشادات موشکافانه و عالمانه ایشان می باشد کمال سپاسگزاری را دارم.

از استاد فهیم و بزرگوار جناب آقای دکتر فیض اله اکبری که همیشه سخاوتمندانه و مشتاقانه با پیشنهادات ارزنده و رهگشای خویش مرا در تالیف این اثر یاری نمودند بسیار سپاسگزارم.

از همسر مهربان و بزرگوارم جناب آقای دکتر جمشید جعفرپور که در طول نگارش کتاب پیش رو همچون گذشته بار دیگر همدلی و همراهی صمیمانه و خالصانه خویش را در طبق اخلاص نهاده و از راهنمایی های عالمانه خود دریغ ننمودند و همچنین از فرزندان

عزیزم که با صبر و تحمل فراوان در طول تحصیل و اتمام این مهم مرا یاری نموده‌اند
تشکر و قدردانی می‌نمایم.

همچنین از پدر و مادر بزرگوایم و تمامی نزدیکان و دوستان عزیزم که دعا‌های
خالصانه‌شان بدرقه راهم بوده تشکر نموده، توفیق روزافزون همگان را از خداوند منان
مسئلت دارم.

از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

کتاب حاضر که انشاءالله در ردیف مجموعه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی مطالعات
تطبیقی ادیان توحیدی قرار خواهد گرفت، مدیون راهنمایی، مشاورت و همکاری
دست‌اندرکاران بزرگواری است که بی مهر آنها این مهم ممکن نبود. البته ضعف‌ها و
کاستی‌های احتمالی آن نیز ناشی از بضاعت علمی مزجات نگارنده بوده که امید است در
سایه راهنمایی‌ها و ارشادات ارزشمند اساتید بزرگوایم اشکالات وارده مرتفع شده و شاهد
شکوفایی و حضور مؤثر این اثر در مجامع علمی دین محور باشیم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	مقدمه
۱۹	پیشگفتار.....
فصل اول: بررسی تطبیقی متون مقدس مسیحیت و اسلام	
۲۳	مقدمه
۲۴	۱-۲- متون مقدس مسیحیت
۲۴	۱-۱-۲- کتاب مقدس
۲۸	۲-۱-۲- عهد جدید
۳۱	۱-۲-۱-۲- نویسندگان عهد جدید
۳۱	۲-۲-۱-۲- زمان و زبان نگارش عهد جدید
۳۲	۳-۲-۱-۲- اعتبار کتب عهد جدید
۳۴	۳-۱-۲- اناجیل
۳۵	۱-۳-۱-۲- از سنت شفاهی تا نگارش انجیل
۴۲	۲-۳-۱-۲- انجیل متی
۴۵	۳-۳-۱-۲- انجیل مرقس

۵۰ ۲-۱-۳-۴- انجیل لوقا
۵۴ ۲-۱-۳-۵- انجیل یوحنا
۵۶ ۲-۱-۳-۶- عصمت عیسی و عدم عصمت لفظی اناجیل
۵۷ ۲-۱-۳-۷- موضوعات اناجیل
۶۱ ۲-۲- قرآن
۶۱ ۲-۲-۱- کیفیت نزول وحی
۶۲ ۲-۲-۲- واژه قرآن و معنی آن
۶۳ ۲-۲-۳- کیفیت نزول قرآن
۶۴ ۲-۲-۴- تعداد سور و آیات قرآن
۶۴ ۲-۲-۵- نگارش، خط و زبان قرآن
۶۶ ۲-۲-۶- جمع و تدوین قرآن
۷۰ ۲-۲-۷- محتوا و جامعیت قرآن
۷۵ ۲-۲-۸- اعجاز قرآن
۷۷ ۲-۲-۹- عدم تحریف قرآن
۷۸ ۲-۲-۹-۱- دلایل عدم تحریف قرآن
۸۲ مقایسه

فصل دوم : مفهوم شناسی و ارزیابی مدارا و خشونت

۸۹ مقدمه
۸۹ ۳-۱- مفهوم شناسی مدارا و خشونت

۹۰	۳-۱-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی مدارا
۹۲	۳-۱-۱-۱- واژه‌های معادل و متقارب مدارا
۹۲	- حلم
۹۴	- مصانعه
۹۶	- مداهنه
۹۷	- سهل و سَمَح (تساهل و تسامح)
۹۸	- عفو و صفح
۱۰۰	- لین
۱۰۰	- رفق
۱۰۱	۳-۱-۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی خشونت
۱۰۳	۳-۱-۲-۱- واژه‌های معادل خشونت
۱۰۳	- غلظت
۱۰۴	- شدّه
۱۰۴	- فظّ
۱۰۸	۳-۲- مطلق یا نسبی بودن مدارا و خشونت
۱۱۳	۳-۳- حسن و قبح مدارا و خشونت
۱۲۰	۳-۳-۱- علت قبح خشونت
۱۲۲	۳-۴- رابطه مدارا و خشونت با کرامت انسانی
۱۲۲	۳-۴-۱- انواع کرامت انسانی

۱۲۵ ۳-۴-۲- کرامت انسانی مظهر کرامت خداوندی
۱۲۶ ۳-۴-۳- منشأ کرامت ذاتی و امتیازات انسان
۱۲۹ ۳-۴-۴- زوال و فنای کرامت
۱۳۰ ۳-۴-۵- عدم اسقاط حق کرامت
۱۳۰ ۳-۴-۶- ممنوعیت اهانت به کرامت انسانی
۱۳۳ ۳-۵- رابطه مدارا و خشونت با عبودیت و رضایت الهی

فصل سوم : مدارا در قرآن و اناجیل اربعه

۱۴۵ مقدمه
۱۴۵ ۴-۱- مدارا در امور فردی
۱۷۱ ۴-۲- مدارا در مقام گفتگو و مناظره و دعوت به دین
۱۹۵ ۴-۳- مدارا در تعاملات اجتماعی با غیرهمکیشان
۱۹۵ ۴-۳-۱- رعایت و گسترش عدالت نسبت به غیرهمکیشان
۱۹۹ ۴-۳-۲- احسان به مخالفان غیرمعاند
۲۰۴ ۴-۳-۳- رعایت عهد و پیمان با غیرهمکیشان
۲۰۵ ۴-۳-۴- اهانت نکردن به مقدسات غیرهمکیشان
۲۰۷ مقایسه

فصل چهارم : خشونت در قرآن و اناجیل اربعه

۲۱۳ مقدمه
-----	-------------

- ۱-۵-۱- صلابت و قاطعیت در اصول و برنامه‌های دینی ۲۱۴
- ۱-۱-۵-۱- قاطعیت در برابر تقلید و باورهای غلط ۲۲۳
- ۲-۱-۵-۲- خشونت و تندى با کج فهمان سست ایمان و وسوسه گر ۲۴۲
- ۳-۱-۵-۳- خشونت با مکذبین بی ایمان و منکر ۲۴۷
- ۴-۱-۵-۴- خشم و خشونت در برابر غافلان هواپرست ۲۵۹
- ۵-۱-۵-۵- فریاد خشم بر هدایت ناپذیران ۲۶۵
- ۶-۱-۵-۶- ستیز با روحانی نمایان یهود ۲۶۷
- ۲-۵-۲- صلابت و قاطعیت در دفاع از عدالت اجتماعی و حقوق مردم ۲۷۳
- ۱-۲-۵-۱- خشونت و قاطعیت در برابر ستمکاران برای احیای حق و عدل ... ۲۷۷
- ۲-۲-۵-۲- اعتراض در مقابل ظلم ۲۸۲
- ۳-۲-۵-۳- تحقیر و تعرض به ظلم پادشاه ستمگر ۲۸۵
- ۴-۲-۵-۴- مبارزه با مفسد اجتماعی و اصلاح جامعه برای اقامه عدل ۲۸۸
- ۵-۲-۵-۵- نجات مستضعفان از ظلم مستکبران ۲۹۵
- ۳-۵-۳- خشونت و قاطعیت در احکام و حدود الهی ۲۹۹
- ۱-۳-۵-۱- قصاص ۳۰۳
- ۲-۳-۵-۲- حدود ۳۱۲
- مقایسه ۳۲۰
- ۴-۵-۴- پاسخ به شبهات پیرامون دستورات دینی اسلام (قصاص و حدود) ... ۳۲۲

فصل پنجم : جهاد و دفاع در قرآن و اناجیل اربعه

۳۳۳	مقدمه
۳۳۵	۱-۶- جهاد و دفاع در قرآن
۳۳۵	۱-۱-۶- معنای لغوی و اصطلاحی جهاد
۳۳۷	۲-۱-۶- انواع جهاد
۳۴۱	۳-۱-۶- موارد مشروعیت جهاد
۳۴۳	۱-۳-۱-۶- دفاع در برابر تجاوز و هجوم دشمن
۳۴۴	۲-۳-۱-۶- دفاع در برابر شورشیان
۳۴۵	۳-۳-۱-۶- دفاع از مستضعفین
۳۴۶	۴-۳-۱-۶- دفع فتنه و جلوگیری از فساد
۳۴۷	۵-۳-۱-۶- حاکمیت دین
۳۵۲	۲-۶- جهاد و دفاع در اناجیل اربعه
۳۵۲	۱-۲-۶- پادشاهی جهان و جنگ
۳۵۳	۲-۲-۶- شمشیر به جای سلامتی
۳۵۴	۳-۲-۶- دعوت به دفاع مسلحانه
۳۵۴	۴-۲-۶- منع از دفاع به جهت عدم آمادگی
۳۵۵	۵-۲-۶- آتش تفریق - آتش جنگ
۳۷۱	مقایسه
۳۷۳	۳-۶- پاسخهایی به سخنان پاپ بندیکت رهبر کاتولیک‌های جهان

۳۷۴ ۱-۳-۶- خطا بودن داوری و نتیجه گیری پاپ
۳۷۶ ۲-۳-۶- جهاد برای اعتلاء دین نه تحمیل دین
۳۸۰ ۳-۳-۶- تأکید بر عقلانیت در اسلام
۳۸۲ ۴-۳-۶- عدم تعارض انتشار دین از راه جنگ مقدس با عقل و خردورزی
۳۸۳ ۵-۳-۶- عدم تعارض جنگ و جهاد با ذات خداوند
۳۸۵ ۶-۳-۶- اول دعوت و اتمام حجت بعد جنگ و خشونت
۳۸۶ ۷-۳-۶- هماهنگی نظام تکوین و تشریح
۳۸۷ ۸-۳-۶- باب تزاحم و تقدم مصلحت جامعه بر مصلحت فرد حتی با خشونت ...
۳۸۸ ۹-۳-۶- مسیحیت دین محبت و دین شمشیر

فصل ششم : نتیجه گیری و پیشنهادها

۳۹۳ کلام آخر
۳۹۹ فهرست منابع

مقدمه

عبودیت بشر نسبت به خالق هستی و اطاعت از اوامر و نواهی آن خالق یکتا، جوهره تمام ادیان الهی و رسیدن به نقطه تسلیم محض در برابر اراده آن حکیم آگاه، هدف غایی از خلقت انسان است. عبدی که پیش از مقام عبودیت، موجودی کریم آفریده شد و به جهت کرامت ذاتی خود، بر بسیاری از مخلوقات فضیلت و شرافت یافت. این موجود کریم‌النفس و افضل بر سایر مخلوقات می‌بایست هم در صیانت کرامت تکوینی خود بکوشد و هم با کسب کرامت اکتسابی، حرمت و کرامت انسان‌های دیگر را پاسداری نماید. بر این اساس خداوند عادل، ارسال رسل و انزال کتب و میزان را آغاز کرد و تجدید نمود تا عدل و قسط بدست توانای این عبدکریم جریان یابد. عبودیت، کرامت ذاتی و عدالتخواهی انسان اقتضا می‌کند که در تعامل با دیگران، اعم از همکیشان یا غیرهمکیشان، گاهی مدارا را پیشه خود سازد و گاهی خشونت را اعمال کند. مدارا و خشونت که هیچکدام فی‌نفسه ارزش مطلق نبوده و حسن و قبح آنها تعیین نمی‌گردد بلکه با سه ارزش اساسی یعنی اطاعت مطلق از خدا و کسب رضایت الهی، اقامه عدل، و حفظ کرامت ذاتی خود و دیگران، ارزش‌گذاری می‌شوند.

تطبیق تعالیم قرآن و اناجیل اربعه درباره موضوع مدارا و خشونت آشکار می‌سازد که نه اسلام تماماً دین جنگ و خشونت است و نه مسیحیت تماماً دین محبت و رحمت، که اگر جز این می‌بود نقصان در دین حاصل می‌آمد. با صرف‌نظر از تفاوت‌های جزئی، کمال این دو دین الهی و نیز مقام نبوت حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) اقتضای آن را داشته است که در امور فردی، در تعامل اجتماعی با غیرهمکیشان، در مقام دعوت به دین، مدارا مورد تأکید و توصیه قرار گیرد و نسبت به تعالیم آسمانی اعم از

اصول و برنامه‌های دین و اجرای عدالت و احکام و حدود الهی صلابت و قاطعیت و خشونت ضروری و لازم شمرده شود. همچنین بر خلاف تصور غالب بر اذهان عمومی، مسیحیت تنها چند دستور اخلاقی و یک سلسله نصیحت‌ها نیست بلکه اناجیل در ضمن توصیه‌های اخلاقی، از جنگ و شمشیر هم به عنوان مصداقی از خشونت سخن می‌گوید. پس به جرأت می‌توان گفت مشروعیت و تجویز جهاد و دفاع در مواردی خاص یکی از اشتراکات اسلام و مسیحیت می‌باشد و نهایتاً آنکه خشونت بر مبنای ارزشهای مطلق و اساسی نه تنها رفتاری غیرعقلانی به شمار نمی‌آید بلکه عین عقلانیت بوده و با روح انسان و مبانی توحیدی و ذات و صفات الهی نیز مغایرتی نخواهد داشت.

امید است با آگاهی از حقایق و مشترکات کتب مقدس، ادیان الهی در معرض اتهام قرار نگرفته و شاهد تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز بیش از پیش پیروان این ادیان و به طور خاص مسلمانان و مسیحیان باشیم.

واژه‌های کلیدی: قرآن، اناجیل اربعه، مدارا، خشونت، جهاد و دفاع، عبودیت، کرامت، عدالت.

پیشگفتار

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری حکومتی با هدف اجرای احکام دینی بر اساس ارزش‌های الهی در آخرین سال‌های قرن بیستم تأثیری شگرف را نه تنها در منطقه خاورمیانه بلکه در کل جهان اسلام برجا گذاشت و روحیه امید و نشاط و خودباوری را در میان مسلمانان از نو پدید آورد. تشکیل حکومت اسلامی و به تبع آن اجرای احکام الهی در جامعه و نیز اداره آن بر اساس ارزش‌ها و موازین دینی که پیش از آن به رؤیا و آرزوی مسلمانان شباهت داشت - علیرغم برخی کاستی‌ها - عملاً محقق شد.

اسلام که پیش از آن در معادلات سیاسی و اجتماعی بین‌المللی از جایگاهی برخوردار نبود به یکی از مؤلفه‌های محوری در عرصه جهانی مبدل شد و به تناسب همین موفقیت، در محافل علمی و مجامع پژوهشی معتبر، بازشناسی رویکردهای الهی و اسلامی به موضوع بسیار مهم و قابل توجه تبدیل گشت.

در این راستا عملکردهای افراطی و غیراصولی گروه‌هایی به اصطلاح اسلامی همچون القاعده - که خشونت‌ها و تندروی‌های خود را به دین منتسب می‌کرد - این زمینه را فراهم ساخت که به اسلام برچسب‌های خشونت‌طلبی زده شود و در میان جوامعی که امکان دسترسی نزدیک و بررسی آموزه‌های اخلاقی، عرفانی و فقهی اسلام را ندارند این مکتب به عنوان دین خشونت‌معرفی گشته و چهره رحمانی این آیین الهی مخفی بماند.

در این میان اظهارنظر برخی بزرگان کلیسا مانند پاپ بندیکت شانزدهم^۱ و استناد وی

۱. سخنرانی پاپ بندیکت شانزدهم رهبر کاتولیک‌های جهان در دانشگاه رژنسبرگ آلمان مبنی بر نفی عقلانیت در اسلام و استفاده از خشونت برای ایمان ورزی، در تاریخ دوازدهم سپتامبر ۲۰۰۶.

به جنگ و جهاد در اسلام و برخی دستورات دینی، برای اثبات خشونت و غیرعقلانی دانستن اسلام و ادعای عقلانیت و محبت در مسیحیت که نشان از نقص اطلاعات ایشان نسبت به تعالیم اسلامی و چشم پوشی نسبت به تعالیم مسیحی حکایت می نمود، نیز موجب آن شد که هر کس به اندازه توان خود، در تبیین حقایق و باورهای اسلامی و نیز احکام و مقررات دینی بکوشد. بر اساس چنین احساس و وظیفه ای بود که «بررسی تطبیقی مسأله مدارا و خشونت در قرآن و اناجیل اربعه» به عنوان موضوع پایان نامه برگزیده و تلاش شد با استمداد از الطاف الهی و پیامبران بزرگ الهی حضرت عیسی مسیح (ع) و حضرت محمد مصطفی (ص)، در حد بضاعت علمی ابعاد موضوع بازگشایی شود و این ادعای مشهور که مسیحیت سراسر محبت و مدارا است و در آن خشونت جایی ندارد، با استناد به متون اناجیل اربعه مورد بازخوانی قرار گیرد و همچنین بیش از پیش تأکید شود که اسلام، هم دین محبت و مدارا است و هم دین خشونت، و وجود محبت و مدارا و خشونت برای هر دو دین کمال دین به شمار می آید.

فصل اول:

بررسی تطبیقی متون مقدس
مسیحیت و اسلام

مقدمه

از آنجا که موضوع «مدارا و خشونت» در «قرآن و اناجیل اربعه» محور اصلی تحقیق می‌باشد معرفی این کتب مقدس ضروری به نظر می‌رسد. به طور قطع آگاهی از اختلاف بنیادین یا عدم اختلاف مسیحیت و اسلام در مفهوم وحی، آگاهی از مؤلفان و زمان تألیف و چگونگی نگارش و جمع‌آوری و تدوین قرآن کریم و اناجیل اربعه، موضوعات و محتوا، تحریف و یا عدم تحریف این متون مقدس، میزان اعتبار و حجیت این متون را آشکار خواهد کرد. اهمیت میزان اعتبار و حجیت این متون، مطالعه و بررسی عمیق و دقیق را از جهات مختلف می‌طلبد تا قضاوت منصفانه و مستند صورت گیرد.

بر این اساس، مباحث این فصل به دو بخش تقسیم خواهد شد که در بخش اول، متون مقدس مسیحیت و در بخش دوم، قرآن کریم از جهات مختلف و به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

این نکته قابل ذکر است که در بخش اول، بدلیل اعتبار و تقدس کتاب مقدس یهودیان (تَنَخ یا عهد عتیق) برای مسیحیان و کاربرد برخی از متون آن در تحقیق حاضر، اشاره‌ای کلی به کتاب مقدس و بخش اول این کتاب نیز خواهد شد. در ادامه به معرفی عهد جدید و اناجیل چهارگانه (متی، مَرْقُس، لوقا، یوحنا) و ارائه مطالبی مهم پیرامون آنها که نقش بسزایی در تشخیص میزان اعتبار و حجیت آنها دارند، خواهیم پرداخت.

در بخش دوم، با توجه به عنوان تحقیق، تنها به بررسی اولین متن مقدس یعنی قرآن کریم خواهیم پرداخت و از پرداختن به بحث «سنت» صرف‌نظر خواهیم کرد. مهمترین موضوعاتی که در تعیین اعتبار و حجیت این متن مقدس نقش خواهند داشت عبارتند

از: کیفیت نزول وحی و نزول قرآن، زمان نگارش و جمع و تدوین قرآن و کاتبان وحی، محتوا، جامعیت و اعجاز قرآن و نیز موضوع تحریف یا عدم تحریف قرآن و بیان علل آن.

۲-۱- متون مقدس مسیحیت

۲-۱-۱- کتاب مقدس

«کتاب مقدس» مجموعه‌ای از کتب است که در زمانی بالغ بر ۱۵۰۰ سال و به دست حدود ۴۰ تن از نویسندگان طبقات مختلف نوشته شده. ولی با این حال دارای وحدت فکر و هدف می‌باشند.^۲ همچنین «کتاب مقدس» عنوان مجموعه نوشته‌هایی است که مسیحیان آنها را مقدس می‌شمارند که در بیشتر زبانهای اروپایی برای نامگذاری کتاب مقدس از واژه‌هایی برگرفته از واژه یونانی *Biblia* به معنی «کتاب‌ها» استفاده می‌شود. این کلمه در انگلیسی و فرانسوی *Bible* نوشته می‌شود.

کتاب مقدس مسیحیان به دو بخش نامساوی تقسیم می‌شود. «عهد عتیق یا قدیم» و «عهد جدید»^۳

معروف این است که این مجموعه در اصل به زبان عبری نگاشته شده و بعدها به زبان یونانی ترجمه شده است. این ترجمه در قرن سوم قبل از میلاد صورت گرفته و از آنجا که گفته می‌شود مترجمان آن هفتاد نفر از عالمان یهود بوده اند، این کتاب به «نسخه سبعینیه» یا «هفتادین» معروف است.^۴

بنابراین اولین منبع برای آشنایی با آموزه‌های مسیحیت، بخش اول از کتاب مقدس یعنی «عهد عتیق» می‌باشد.

«عهد عتیق» کتاب مقدس یهودیان است که دارای ۴۶ کتاب می‌باشد (در نسخه‌های

۲. بستانی، پطرس، دائرة المعارف الکتبیه، ج ۶، ص ۳۱۶.

۳. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص ۲۳.

۴. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، ص ۱۷۴.

یهودی عهد عتیق به زبان عبری و پروتستانی تنها ۳۹ کتاب یافت می‌شود). یهودیان کتاب آسمانی و مقدس خود را تنخ می‌نامند که همان عهد عتیق مسیحیان است. بنابراین عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید خود به کتاب یهودیان داده‌اند. هر چند یهودیان مقدس بودن عهد جدید و انجیل را منکرند و برای آن اعتباری قائل نیستند، اما مسیحیان به هر دو عهد اعتقاد دارند با تقدیم ناسخ بر منسوخ. البته مسیحیان مانند یهودیان نسخ را انکار می‌کنند و عقیده دارند که شریعت عهد عتیق مقدمه‌ای بوده است برای ترک شریعت در عهد جدید.^۵

تقدس و اعتبار کتاب مقدس یهودیان (عهد عتیق) برای مسیحیان و اعتقاد به آن را می‌توان در سه علت جستجو کرد:

۱- در سنت یهودی - مسیحی اعتقاد بر این بوده است که خداوند مجموعه عهد قدیم را در مدتی حدود هزار سال، به افراد متعددی الهام کرده است. بر این اساس، اسفار پنجگانه تورات (سفر پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه) کتاب حضرت موسی (ع) می‌باشد و کلمات آن را خداوند وحی کرده است. در سایر کتاب‌های عهد قدیم نیز عنوان کتاب، آن را به یکی از انبیاء یا بزرگان نسبت می‌دهند که همان شخص، نویسنده کتاب دانسته می‌شود.^۶

۲- از دیدگاه مسیحیان «تورات» (اسفار خمسه) که بخش مهمی از عهد عتیق است، وحی الهی را ابلاغ می‌کند و تمامی تعلیمات دینی را دربردارد. مسیحیان بر این اعتقادند که وحی الهی به شیوه‌های مختلف به پیامبران ابلاغ گردیده است: «خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریقه‌ای مختلف به وساطت انبیاء به پدران ما تکلم نمود، ...»^۷. خداوند خود را به طور کامل با کلمه سرمدی خویش بیان کرد چرا که روح خالص نمی‌تواند خود را با هیچ وسیله‌ای بیرون از خود، نمایان سازد. با این وجود، او گفته‌هایی را به پیامبران الهام کرد که به مثابه کلام الهی، شناخت‌های نوین و قوانینی را برای انسان

۵. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۹۷.

۶. سلیمانی اردستانی، یهودیت، ص ۱۷۴.

۷. عبرانیان: ۱: ۱.

آورد که آیین و اخلاق را نظام بخشید.^۸ موسای پیامبر در کوه سینا دو لوح شهادت یعنی دو لوح سنگ مرقوم به انگشت خدا را از یَهُوه دریافت می‌کند.^۹ بنابر سنت، موسی (ع) نخستین نگارنده‌ای است که به او الهام شده است. او خود، کلام شریعت را در یک کتاب نوشت^{۱۰} «و به لایوانی که تابوت عهد خداوند را برمی‌داشتند وصیت کرد و گفت: این کتاب «تورات» را بگیرید و آن را در پهلوی تابوت عهد یَهُوه خدای خود بگذارید تا در آن جا بر شما شاهد باشد.»^{۱۱}

کلام مسموع و رؤیایها سرانجام به وسیله نوشته‌های مقدس در کتاب‌های مقدس ضبط گردید. سوفریم (کاتبان) با نهایت دقت از کتاب مقدس نگهداری کرده و اعلام داشتند که هرگز و به هیچ طریقی نباید تغییر در آنها داده شود و یا چیزی اضافه گردد. این عمل «اعلام قدوسیت کتاب مقدس» خوانده شده است.^{۱۲} مسیحیان بر این باورند که هدف تورات روشننگری عقل‌ها و نیز هدایت زندگی است. تعلیم دادن، نشان دادن، آموزش و پرورش عقل و تمیز دادن از اهداف مهم تورات است و نباید تصور شود که تورات یک نظام از ممنوعیت‌ها و یک اخلاق است.^{۱۳}

همچنین از این جهت که قانون موسوی یک تأمل است، قانون و نور است،^{۱۴} برای مسیحیان تقدس دارد. نه تنها تورات بلکه به طور کلی الهاماتی که از صفحات عهد قدیم حاصل می‌شود، هر خط آنرا کلیسا با عزت و حرمت و عشق کامل می‌پذیرد. چرا که این الهامات تمام نشدنی و همیشه حیات آور است و از آن خداوند خالق و نیکو آشکار می‌شود. بنابراین چون مسیحیت بر مبنای فقهی و تلقینی و روایات و قصص دین یهود بنا شده و شاخه‌ای از این دین محسوب می‌گردد، رساله‌های کتاب مقدس مورد تأیید و

۸. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس: درون مایه‌های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، ج اول، ص ۳۳۲.

۹. سفر خروج، ۳۱: ۱۸. رک. به ۳۲: ۱۶.

۱۰. ماسون، همان.

۱۱. سفر تثنیه: ۳۱: ۲۴-۲۶. مقایسه کنید با کتاب دوم پادشاهان: ۲۲: ۸.

۱۲. کلاپرمن، ژیلبرت ولیبی، تاریخ قوم یهود، ترجمه مسعود همتی، ج ۲، ص ۴۰.

۱۳. ماسون، همان، ص ۳۳۳.

۱۴. امثال سلیمان: ۶: ۲۳.

قبول کلیسای مسیحی نیز قرار گرفته است.^{۱۵}

عیسی (ع) درباره رسالت خود و تورات می‌گوید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود...»^{۱۶}

اما در عین حال عیسی (ع) کسی است که نه برخلاف اصل تورات، که با تعالیم و باورهای غلط یهودیان خصوصاً فریسیان و صدوقیان مخالفت می‌ورزد. حکیمانه و پیامبرانه با آنها سخن می‌گوید، هشدار می‌دهد و قاطعانه عمل می‌کند و انعطاف‌ناپذیری خود را درباره تعلیم غلط آنها نشان می‌دهد.^{۱۷}

۳- مسیحیان برای فهم عمیق کلام عیسی (ع)، فهم و درک عهد عتیق را لازم و ضروری می‌دانند. بر اساس تعلیم آموزه کلیسا، «کلیسا همواره به یاد می‌آورد که بدون درک عهد قدیم بسیاری از سخنان عیسی برای ما به صورت معما باقی می‌ماند و پیام آن را عمیقاً درک نخواهیم کرد.»^{۱۸}

بنابر دلایل فوق تا اواسط قرن دوم، کلیسا به متون رسمی و قانونی یهودیان استناد می‌کند و اشتراک با یهودیان را در عهد عتیق می‌پذیرد. بالاتر از مسئله اشتراک کلیسای قدیم معتقد می‌شود که عهد عتیق چنانچه به درستی درک شود کتابی است مسیحی چرا که سراسر آن، به ظهور عیسی مسیح (ع) گواهی می‌دهد.^{۱۹}

هاکس درباره کتاب مقدس چنین اعتقاد دارد که: «علی الجمله کتاب مقدس تماماً

۱۵. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، مقدمه، ص ۳.

۱۶. متی: ۵: ۱۷؛ لوقا: ۱۶: ۱۷.

۱۷. متی: ۱۲: ۳-۱۴، متی: ۱۶: ۵-۱۲ و موارد دیگر.

۱۸. ریشه‌های تاریخی ایمان مسیحی، کانون یوحنا رسول، ج ۱، ص ۷.

۱۹. لوئیس، برنارد، تاریخچه آموزه‌های مسیحی، کانون یوحنا رسول، ص ۲۶.

الهامی واحد از جانب خداست که معامله خدای تعالی را نسبت به فرزندان آدم معلوم می‌نماید و شرکت و محبت و توجه او را که نسبت به مخلوقات سرکش و عاصی خود دارد، مکشوف می‌سازد.^{۲۰}

۲-۱-۲- عهد جدید

عهد جدید مشتمل بر کتاب‌هایی است که به عموم فرقه مسیحیان اختصاص دارد. در مورد کتاب‌های عهد جدید اختلافی بین مسیحیان نیست و همه آنان اعم از کاتولیک و ارتودکس و پروتستان، به صحت ۲۷ کتاب عهد جدید اتفاق و ایمان دارند و عهد جدید و احدی را پذیرفته‌اند.^{۲۱}

نسخ خطی برخی از کتاب‌های عهد جدید به قرن اول مربوط می‌شود و رسمیت مجموعه عهد جدید در فاصله سالهای ۱۵۰-۲۰۰ تعیین گردید و مسیحیان از آن زمان به آن معتقد شده‌اند. عهد جدید مشتمل بر کتاب‌هایی است که تنها مسیحیان پذیرفته‌اند و یهودیان هیچ یک از آنها را ضمن کتاب‌های مقدس خود نمی‌پذیرند.^{۲۲}

مجموع عهد جدید بیش از یک سوم عهد قدیم نیست که از ۲۷ کتاب: اناجیل اربعه، اعمال رسولان (نوشته لوقا)، و رساله‌های سیزده گانه از پولس رسول به رومیان، قرنتیان، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، تسالونیکیان، تیموتاؤس، تیتس، فلیمون و رساله‌های هشتگانه از پطرس و یوحنا و ... و نهایتاً مکاشفه و رؤیای یوحنا تشکیل شده و در موضوعات کاملاً متفاوت، در فاصله سالهای ۴۵ تا ۱۰۰م توسط ۹ نویسنده نگارش یافته است.^{۲۳}

۲۰. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، مقدمه، ص ۵.

۲۱. برخلاف عقیده مسیحیان در مورد تعداد کتاب‌های رسمی عهد عتیق که اختلاف دارند و پروتستانها از ۴۶ کتاب تنها ۳۹ کتاب عهد عتیق را پذیرفته و ۷ کتاب دیگر را که «اپوکریفا» گفته می‌شود نمی‌پذیرند. اما اپوکریفا در عهد جدید وجود ندارد. البته کتاب‌های اپوکریفایی عهد جدید از اپوکریفای عهد عتیق بیشتر بوده است اما در همان دو سه قرن نخست، مسیحیان اندک اندک به کتاب‌های موجود عهد جدید اتفاق کرده‌اند. (به نقل از توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۶۰).

۲۲. میشل، کلام مسیحی، ص ۴۲.

۲۳. تنی، مریل، سی، معرفی عهد جدید، ترجمه میکائیلیان، ص ۱۳۵.

علت نامگذاری دو بخش کتاب مقدس مسیحیان به عهد عتیق و عهد جدید آن است که مسیحیان معتقدند خدای متعال با انسان دو پیمان بسته است: یکی پیمان کهن، به وسیله پیامبران پیش از حضرت عیسی مسیح (ع). در این عهد و پیمان، به قدرت خدا مرتبه‌ای از نجات قوم از طریق وعد، وعید، قانون و شریعت در مناسبه‌های مختلف به دست می‌آید. انسان‌های طرف این پیمان قوم یهود یا همان بنی اسرائیل بوده‌اند بدین جهت گفته می‌شود دین یهودیت دین قدرت خداست. زیرا خداوند در مناسبت‌های مختلف به نفع این قوم عمل کرده‌است. مثلاً عبور دادن آنان از دریای سرخ و غرق کردن فرعونیان، هنگامی که آنان در مصر زیر فشار فرعون و فرعونیان بودند و سپس فرستادن نعمت‌های خود برای آنها در صحرای سینا^{۲۴}.

دیگری پیمان نو، توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح که طرف آن همه انسان‌ها هستند. در پیمان نو، حصول نجات و آزاد شدن و پاکی انسان از گناه و ... از طریق محبت است.^{۲۵} بدین جهت گفته می‌شود مسیحیت دین محبت خداست. اعتقاد مسیحیان بر این است که برای محقق شدن نجات بشر، خداوند (خداوند پسر)، از روی محبت خدا، در لباس و به شکل انسان بر بشر ظاهر و جلوه گر و متجلی و مجسم شد. مسیحیان معمولاً به جای «محبت بشر به خدا» از «محبت خدا به بشر» سخن می‌گویند و در شعر و ادب و عرفان مسیحیت، خدا عاشق است و انسان معشوق.^{۲۶}

پس از مدت کوتاهی از زندگی (به مدت ۳ سال) خدای پسر هم از روی محبت همراه با ایثار و از خودگذشتگی و سخاوت، گناهان بشر را بر خود گرفت و در راه گناهان بشر و با تحمل رنج صلیب، مصلوب و کشته و کفاره گناهان شد تا جهان و بشریت نجات یابند. به عقیده مسیحیان محبت تحول آفرین عیسی بیگناه و نیکوکار و مرتبط با خدا، بر اساس اعتقاد او بوده است. زیرا او گفته است که: «کسی محبتی بزرگتر از این ندارد که جان

۲۴. توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، صص ۱۵۹ و ۲۱۹-۲۲۰.

۲۵. همان، ص ۱۵۹؛ «عهد جدید» در اصل یونانی به معنی «آخرین وصیت یا عهد و پیمان» است. (به نقل از تنی، مریل، سی، همان ص ۱۳۵).

۲۶. توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، صص ۱۵۹ و ۲۲۰.

خود را به جهت دوستان خود بدهد» (یوحنا: ۱۵: ۱۳). هر چند مسیحیان مانند همه جوامع بشری «شهید» نیز دارند و شمار زیادی از حواریون و مسیحیان نخستین مانند پطرس و پولس «شهید» خوانده می‌شوند، ولی تعبیر «شهید و شهادت» را در مورد حضرت عیسی مسیح (ع) به کار نمی‌برند. بلکه مسیحیان بیشتر اصرار دارند که بگویند: حضرت عیسی مسیح (ع) با دادن جان خود به جهت بشریت «قربانی» شد و «فدای» گناهان بشر گردید. این عقیده زیر بنای مسیحیت بوده و هست.^{۲۷} در انجیل یوحنا^{۲۸} می‌خوانیم: «زیرا خداوند، جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خداوند پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه تا به وسیله او نجات یابد.»

به عقیده مسیحیان، محبت خدا برای نجات انسانها، از طریق کسی صورت گرفت که در اطاعت مطلق و تسلیم کامل در برابر خدا بود. آن کس خود، کاملاً بیگناه و اهل محبت و عمل محبت‌آمیز و با حکمت الهی متحد بود. یک نماینده از بشریت بود که توانست آن دیوار و فاصله و حائل را که به واسطه گناه، بین خدای بینهایت شایسته و انسان متمرّد، قرار داده شده بود منهدم کند. آن کس، آن منهدم‌کننده فاصله بین خدا و انسان، آن قربانی و فداشونده همیشگی و آن کفاره گناه کسی نبود مگر عیسی مسیح (ع)^{۲۹}. از نظر مسیحیان مرگ عیسی (ع) عهد جدیدی را میان خدا و تمام بشریت (و نه فقط قوم یهود) منعقد کرد. به ادعای انجیل‌های موجود، عیسی هنگام شام آخر نان و شراب به شاگردان خود تقدیم کرد و گفت: «پیاله را بگیرید و بنوشید این است خون من در عهد جدید که در راه شما و بسیاری، به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود.»^{۳۰} پس به عقیده مسیحیان، نوع بشر از طریق نماینده خویش یعنی عیسای مصلوب، زندگی تازه‌ای از فدا شدن عیسی برایش پدید آمد و از آن پس با خدای عزوجل از در مصالحه وارد شده و می‌شود.^{۳۱}

۲۷. میشل، کلام مسیحی، صص ۸۹ و ۹۰؛ توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، صص ۱۵۷-۱۶۰ و ۲۲۰.

۲۸. ۳: ۱۷-۱۶.

۲۹. میشل، همان، ص ۸۸.

۳۰. متی: ۲۶: ۲۶-۲۸، مرقس: ۱۴: ۲۲-۲۴، لوقا: ۲۲: ۱۷-۲۰.

۳۱. میشل، کلام مسیحی، ص ۸۹. توماس میشل برای سؤال از علت تحقق نجات بشر به وسیله مصلوب شدن و مرگ عیسی و

بنابراین آن قسمت از پیمان مقدس که درباره «پیمان کهن» سخن می‌گوید عهد عتیق و آن قسمت از کتاب مقدس که درباره «ثبث برقراری رابطه جدید خدا با انسان به وسیله مسیح»^{۳۲} سخن می‌گوید، عهد جدید نامیده می‌شود.

از دیدگاه مسیحیت، پیمانهای خداوند با بشر (عهد عتیق و عهد جدید: پیمان کهن و پیمان نو) در ماهیت با یکدیگر متفاوت و از دو مقوله گوناگون و با هم اختلاف دارند.^{۳۳}

۲-۱-۲-۱ نویسندگان عهد جدید

توماس میشل در کتاب خود می‌گوید: «نویسندگان کتاب عهد جدید از شاگردان عیسی هستند که برخی از ایشان وی را از نزدیک دیده و شناخته‌اند. (این افراد را می‌توان به «اصحاب» پیامبر اسلام مانند کرد.) و برخی هم از طریق گروه قبلی با زندگی و تعالیم عیسی آشنا شده‌اند (مانند «تابعین» در اسلام). مسیحیان نمی‌گویند که همه نویسندگان، حوادث زندگی عیسی را عیناً مشاهده کرده‌اند - گرچه برخی از ایشان شاهد مستقیم آن حوادث بوده‌اند - ولی همه این نویسندگان از نخستین پیروان مسیح به شمار می‌روند. ما مسیحیان نویسندگان عهد جدید را پیامبر نمی‌دانیم، ولی معتقدیم که همگی آنان در تمام آنچه نوشته‌اند، با الهام الهی عمل کرده‌اند.»^{۳۴}

۲-۲-۱-۲ زمان و زبان نگارش عهد جدید

در نکته دوم پیشگفتار تفاسیر اناجیل آمده است که: «ما بین مژده‌ای که عیسی اعلام کرد و آن را به تحقق رساند و زمان نگارش عهد جدید چندین سال فاصله وجود داشته است که در این فاصله کلیسا ایمان خود را رشد داده و عمیق‌تر ساخته است»^{۳۵}: «روح القدس

برای فهمیدن معنا و مفهوم مرگ عیسی، پاسخهایی ارائه می‌دهد که قابل نقد و بررسی است، رک. به کلام مسیحی صص ۸۹-۸۱.

۳۲. تنی، معرفی عهد جدید، ص ۱۳۵.

۳۳. رک. به کتاب توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، صص ۱۵۹-۱۶۰.

۳۴. میشل، همان، ص ۴۳.

۳۵. تفسیری از انجیل لوقا و اعمال رسولان (انجیل لوقا چه می‌گوید؟)، کانون یوحنا ی رسول، ص ۹.

شما را به حقیقت کامل خواهد رساند»^{۳۶}

اولین گزارش‌های مکتوب درباره مسیحیت مربوط به رساله‌های پولس است که احتمالاً بین سالهای ۵۰ میلادی و سال مرگ پولس یعنی ۶۴ میلادی نوشته شده اند. آنها تا سال ۹۰ میلادی گردآوری شده و به صورت منظم در همه کلیساها خوانده می شدند.^{۳۷}

عهد جدید به زبان یونانی نگارش یافته است و از دیدگاه توماس میشل شواهد تاریخی و لغوی برای نظریه به تحریر در آمدن انجیل متی به زبان «آرامی» که عیسی مسیح (ع) و شاگردانش به آن سخن می گفته اند وجود ندارد.

ترجمه‌های عهد جدید از روی متن یونانی انجام گرفته و همین متن اساس تحقیقات دانشمندان قرار می گیرد. این دانشمندان به تفسیر و فهمیدن عبارات عهد جدید از طریق تحلیل لغوی روی آورده و آن را با در نظر گرفتن چارچوبهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شرح می دهند.^{۳۸}

۲-۱-۲-۳- اعتبار کتب عهد جدید

علمای مسیحیت برای تقدس و اعتبار کتب عهد جدید، دلائلی را ذکر نموده اند که به اختصار به آنها اشاره می شود:

الف- صلاحیت نویسندگان عهد جدید: متی و یوحنا و پطرس از حواریون عیسی مسیح و از شاهدان عینی کارها و تعالیم وی بوده اند. بنابراین آنها صلاحیت و توانایی این را داشته اند که در مورد حقایق الهی شهادت و تعلیم دهند. مرقس طبق نوشته پایباس، مترجم پطرس بود و هرچه را از تعالیم پطرس به یاد داشت به درستی ثبت نمود. لوقا از همراهان نزدیک پولس بود و طبق شهادت آریرینوس، انجیلی را که پولس موعظه می کرد، لوقا به رشته تحریر درآورد. پولس یقیناً توسط مسیح، انتخاب و منصوب گردید و به طوری که

۳۶. یوحنا: ۱۶: ۱۳، یوحنا: ۱۴: ۲۶.

۳۷. گریدی، جوان ا، مسیحیت و بدعتها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، ص ۴۶.

۳۸. میشل، کلام مسیحی، ص ۴۲.

خودش می‌گوید انجیل را مستقیماً از خدا دریافت کرد.^{۳۹}

یعقوب و یهودا برادر مسیح بودند و در نوشته آنها این زمینه روشن است. تمام آنها عطای روح القدس را یافته بودند و درنوشتن عهد جدید فقط از حافظه و شهادت‌های شفاهی و کتبی و اطلاعات روحانی استفاده نکردند بلکه توسط روح القدس صلاحیت و قدرت یافتند که کلام خدا را به ثبت برسانند.^{۴۰}

ب - امانت و درستکاری نویسندگان عهد جدید: اصالت آثار آنها و اخلاق عالیه آنها در لحن نوشته‌هایشان، این اطمینان را می‌دهد که آنها از هر نوع فریبکاری به دور بوده‌اند. مهمتر اینکه این نوشته‌ها برای موقعیت و محبوبیت اجتماعی و حتی جان و مال آنها خطرآفرین بود. این امر فداکاری و امانت داری آنها را نشان می‌دهد.^{۴۱}

ج - هماهنگی نوشته‌های آنها: در انجیل همونوا نه تنها تضادی دیده نمی‌شود بلکه مکمل همدیگر محسوب می‌شود. مطالب مذکور در انجیل یوحنا را هم می‌توان با سه انجیل دیگر کاملاً هماهنگ ساخت ... قسمت‌های مختلف عهد جدید، از نظر محتوای تعالیم، با یکدیگر هماهنگی کامل دارند. در انجیل تعالیم شروع می‌شوند و در رسالات بیشتر شکافته می‌شود. ولی تضادی وجود ندارد. بیست و هفت کتاب عهد جدید یک تصویر هماهنگ از عیسی مسیح و کارهایش ارائه می‌دهند. همین امر اعتبار آنها را تأمین می‌نماید.^{۴۲}

ایمان مسیحیان به صدق، صحت، قداست، اعتبار و الهی بودن کتاب عهد جدید عیناً مانند ایمان مسلمانان به صدق، صحت و قداست، اعتبار و الهی بودن قرآن کریم است و هیچ فرقی و تفاوتی در این اعتقاد یافت نمی‌شود.

آنان تمام القاب و احترامات شایسته یک کتاب آسمانی را در مورد عهدین روا می‌دارند

۳۹. غلاطیان: ۱: ۱۱-۱.

۴۰. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ترجمه میکائیلیان، ص ۶۰.

۴۱. همان.

۴۲. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ترجمه میکائیلیان، ص ۶۰.

و تعبیراتی مانند کتاب مقدس، کتاب خدا و وحی برای آن کتاب‌ها معمول است.^{۴۳}

۲-۱-۳- اناجیل

عهد جدید ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می‌شود:

۱- اناجیل ۲- اعمال رسولان ۳- رساله‌ها (نامه‌های رسولان) ۴- کتاب مکاشفه

«اناجیل» جمع «انجیل» بوده که به چهار کتاب آغازین عهد جدید اطلاق می‌شود. واژه «انجیل» برگرفته از واژه یونانی *evangylion* و به معنای «مژده نو، بشارت، خبر خوش» می‌باشد. مژده به فرارسیدن ملکوت آسمان و یا ملکوت خداوند، بشارت رسیدن مسیح و پیمان تازه^{۴۴} و این در حالی است که ویل دورانت معتقد است کلمه «انجیل» از کلمه *gospel* که از الفاظ انگلیسی باستان به معنی «بشارت» بوده گرفته شده که خود این واژه نیز از لفظ یونانی *evanglion* اتخاذ گردیده است.^{۴۵}

در کتاب تاریخ کلیسای قدیم نیز درباره واژه «انجیل» می‌خوانیم:

«انجیل» مشتق از لفظ یونانی به معنی خبر خوش می‌باشد، البته این خبرخوش از یکی متجاوز نبود، عیسی مسیح خود یکی بود و لازم بود انجیلش نیز یکی باشد. پس چون انجیل متی و انجیل مرقس و غیره می‌گوییم مقصود ما از آن، یک انجیل (خبر خوش) است که توسط متی و مرقس و لوقا و یوحنا نوشته شده.^{۴۶}

با در نظر گرفتن مفهوم وحی در مسیحیت، مسیحیان هرگز قائل به این نیستند که عیسی کتابی به نام «انجیل» آورده باشد. بلکه مسیحیان عیسی را «تجسم وحی الهی» و «مجسم شدن کلمه یا پیام خدا» می‌دانند و به عقیده آنان، وی نه حامل پیام، بلکه عین پیام بوده است. بنابراین مسیحیان خواستار انجیلی نیستند که عیسی آن را نوشته یا به شاگردانش

۴۳. توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۶۳.

۴۴. میشل، کلام مسیحی، ص ۴۳؛ توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۶۰.

۴۵. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، (قیصر و مسیح)، ص ۶۵۴.

۴۶. میلر، و.م، تاریخ کلیسای قدیم در روم و ایران، ص ۶۶.

املاء کرده باشد.^{۴۷}

میلر نیز در این زمینه معتقد است که:

«خداوند ما عیسی مسیح، کلمه پاک خدا و در او تمامی خزائن حکمت و علم مخفی بود و لازم نبود کتابی نوشته شده به یادگار گذارد.»^{۴۸}

کارپنتر نیز معتقد است: «مسیح کتابی ننوشت و یا اگر نوشت که بسیار بعید به نظر می‌رسد اثری از آن برجای نمانده است.»^{۴۹}

این نکته قابل ذکر است که «انجیل» نام کتاب آسمانی مسیحیان به صورت جمع «اناجیل» در قرآن به کار نرفته است و در لغت عربی به معنی اصل و بنیاد علوم و حکمت آمده است.^{۵۰}

۲-۱-۳-۱- از سنت شفاهی تا نگارش انجیل

پیش از نوشته شدن اناجیل، تقریباً به مدت ۳۰ سال یک سنت شفاهی وجود داشته است. به عقیده مسیحیان عیسی (ع) در حدود سال ۳۰ یا ۳۳ مصلوب و به آسمان صعود کرد و پیروان او، که وی را شناخته و کارهایش را دیده و سخنانش را شنیده بودند خاطراتی از او در ذهن و حافظه خود نگه داشته بودند و زمانی که مسیحیان نخستین برای عبادت دور هم جمع می‌شدند و گرد هم می‌آمدند، آن خاطرات از زندگی و پیام و سخنان و کار عیسی (ع) نقل می‌شد. اندک اندک این منقولات شکل مشخصی یافت و بر حجم آنها افزوده شد.^{۵۱} طبق انجیل (لوقا: ۳: ۲۳) شروع رسالت عیسی (ع) در سی سالگی او بوده و طبق سنت مسیحیت حوادث مصلوب شدن تا صعود او به آسمان در سال ۳۳ اتفاق افتاده است و مرقس بعنوان اولین انجیل نگار، حدود ۶۰ میلادی انجیل خود را به

۴۷. میشل، کلام مسیحی، صص ۴۹ - ۵۰.

۴۸. میلر، تاریخ کلیسای قدیم در روم و ایران، ص ۶۶.

۴۹. کارپنتر، همفری، عیسی، ترجمه حسن کامشاد، ص ۱۱.

۵۰. فرهنگنامه قرآن کریم، شورای علمی فرهنگنامه قرآن کریم، ج ۱، ص ۹۲.

۵۱. میشل، همان، صص ۴۳-۴۴.

تحریر درآورده است.^{۵۲}

بر طبق اناجیل، این منقولات مسیحیان نخستین، ناشی از مأموریت بزرگی است که عیسی مسیح (ع) بعد از قیام و رستاخیز و قبل از صعودش به آسمان، به شاگردان خود محول کرده بود. عیسی مسیح (ع) بر کوهی در جلیل، رسولانی را خطاب کرده، می گوید: «... همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم آب و این و روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.» (متی: ۲۸: ۲۰، مرقس: ۱۶: ۱۵-۲۰).

به عقیده مسیحیان تا زمان نگارش اناجیل چندین سال فاصله وجود داشته، که در این فاصله علاوه بر نظارت و همراهی خود عیسی مسیح (ع)، که گفته بود من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم (متی: ۲۸: ۲۰) روح القدس نیز ایمان جامعه مسیحی و کلیسا را رشد داده، عمیق‌تر میساخته است. در انجیل (یوحنا: ۱۴: ۲۶) می‌خوانیم که عیسی مسیح (ع) به شاگردان و پیروان خود وعده روح القدس را می‌دهد و می‌گوید: «لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من میفرستند، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد.» و در انجیل (یوحنا: ۱۶: ۱۳) نیز آمده است که عیسی (ع) می‌گوید: «ولیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد.»^{۵۳}

توماس میشل در این زمینه معتقد است:

«خدا در طول ۳۰ سال سرنوشت سازی (۳۰-۶۰م) که انجیل مکتوب وجود نداشت، بلکه سخنان و کارهای عیسی به طور شفاهی نقل می‌شد، آن جامعه را هدایت می‌کرد.

۵۲. همان، ص ۴؛ توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۳۴.

۵۳. درنکته چهارم پیشگفتار تفاسیر اناجیل آمده است که: پیش از نگارش انجیل، کلیسا شهادت شفاهی می‌داد و به آنانی که مسئولیت تعلیم تعمید خواستگان یا غیره را به عهده داشتند خلاصه‌های نوشته شده را در اختیارشان قرار می‌داد که انجیل نگاران بعدها از این دو روایت شفاهی و کتبی استفاده کردند و در نکته ششم هم به الهامبخش بودن روح القدس به هر چهار انجیل نگار اشاره شده است. (تفسیر انجیل لوقا، ص ۹ و تفسیر انجیل مرقس، ص ۵).

این روح القدس بود که از طریق الهام، نویسندگان اناجیل را برای نوشتن این کتب و ثبت برگزیده سخنان و کارهای بسیار زیاد عیسی در آنها رهنمون شد. یکی از اموری که روح القدس مخصوصاً به آن اقدام کرد، این بود که دیدگاه کلامی انجیل نگاران را در مورد آنچه خدا می‌خواست از طریق زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی به مردم منتقل شود، هدایت نمود و سرانجام، جامعه مسیحیان نخستین با راهنمایی روح القدس از میان نوشته‌های مسیحی بی‌شمار به ۲۷ کتاب که اناجیل چهارگانه نیز جزو آنهاست، اقرار کرد و پذیرفت که آنها با الهام الهی نگاشته یافته‌اند. این نوشته‌ها عهد جدید نامیده شدند و در طول زمان مرجع اساسی ایمان مسیحی به شمار می‌رفته‌اند.^{۵۴}

بنابراین با گذشت ۲۷ یا ۳۰ سال از سنت شفاهی، گروه زیادی از یاران و پیروان عیسی (ع) (حواریون و یا حواریون حواریون) به نوشتن سیره و سخنان آن حضرت اقدام کردند و نوشته‌هایی را به وجود آوردند که بعداً انجیل خوانده شدند.

اندک اندک چهار انجیل از انجیل‌ها به رسمیت شناخته شده و اناجیل دیگر متروک اعلام گردیدند.^{۵۵}

بر اساس عقیده مسیحیان انجیل، داستان سرگذشت یا شرح حال زندگی عیسی (ع) که توسط خبرنگاری نوشته شده باشد، نیست.^{۵۶} بلکه انجیل گونه‌ای از ادبیات الهامی است که به مسیحیت اختصاص دارد. انجیل‌ها حاصل تلاش شاگردان عیسی است که از طریق الهام، ایمان خود به مسیح و مفهوم این ایمان را در جامعه پیروان نخستین اعلام کرده‌اند. به عبارتی هر یک از اناجیل، در اصل، عیسی را معرفی و ایمان به مسیح برخاسته از مردگان را اعلام می‌کند و همچنین هر یک از اناجیل معنی و مفهوم زندگانی عیسی را برای مسیحیان توضیح می‌دهد.^{۵۷}

۵۴. میشل، کلام مسیحی، ص ۵۰ - ۵۱.

۵۵. توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۶۱.

۵۶. تفاسیر اناجیل لوقا، ص ۹ و مرقس ص ۵، پیشگفتار، نکته اول.

۵۷. در نکته پنجم پیشگفتار تفاسیر اناجیل لوقا ص ۹ و مرقس ص ۵ آمده است که: «رستاخیز عیسی (برخاسته شده از میان مردگان) اتفاق مرکزی و محوری است که به شاگردان اجازه داد راز عیسی (ع) را بفهمند. بنابراین لازم است از بلندای رستاخیز،

هر یک از انجیل‌های چهارگانه شهادتی مشخص و مخصوص از مسیح می‌دهد و انجیل‌ها با آنکه در دیدگاه و جزئیات با یکدیگر متفاوت هستند، همگی درباب هویت عیسی و ماهیت پیام الهی که به واسطه او به پیروان وی رسیده است اتفاق نظر دارند از اینجاست که مسیحیان حاضر نیستند یک انجیل را بگیرند و سایر انجیل‌ها را رها کنند. زیرا ایمان آنان بر تعالیم مجموع چهار انجیل استوار و تنظیم شده است. به عقیده آنان دست برداشتن از هر یک از انجیل‌ها نقص ایمان ایشان را در پی خواهد داشت.^{۵۸}

به طور کلی مسیحیان معتقدند که خداوند کتاب‌های مقدس را به وسیله مؤلفانی بشری نوشته است و براساس این اعتقاد می‌گویند که کتاب‌های مقدس یک مؤلف الهی و یک مؤلف بشری دارند. خدا کتاب مقدس را به وسیله الهامات روح القدس تألیف کرده و برای این منظور مؤلفانی از بشر را برای نوشتن آنها برانگیخته و آنان را در نوشتن به گونه‌ای یاری کرده که فقط چیزهایی را که او می‌خواسته، نوشته‌اند. خدا مؤلف نهایی کتاب مقدس است جز اینکه این عمل را از طریق مؤلفان بشری که کارگزاران وی بوده‌اند، به انجام رسانده است. مؤلفان بشری کتاب مقدس هر یک در عصری خاص می‌زیسته و به رنگ زمان خود درآمده بوده‌اند. همچنین این مؤلفان مانند دیگر انسان‌ها با محدودیت‌های زبان و تنگناهای علمی دست به گریبان بوده‌اند. همچنین اصولاً مسیحیان نمی‌گویند که خدا کتاب‌های مقدس را بر مؤلفان بشری املاء کرده، بلکه معتقدند که خدا به ایشان برای بیان پیام الهی به شیوه خاص خودشان و همراه با نگارش مخصوص و سبک نویسندگی ویژه هر یک توفیق داده است و تنها اقلیتی بسیار ناچیز از مسیحیان گمان می‌کنند که کتاب‌های مقدس با همین الفاظ الهام شده‌اند و خدا پیام خود را کلمه به کلمه به کاتب بشری منتقل کرده و وی چیزهایی را که خدا املاء نموده، با امانت ثبت کرده است.^{۵۹}

بنابراین، طبق آموزه‌های مسیحیت و تعالیم کلیسا، آنچه در انجیل‌ها مکتوب است، ابهام و تناقض در آنها راه ندارد. پس ایراد و تردید هم بر آنها وارد نیست چرا که انجیل‌ها

تمامی انجیل را بنگریم.»

۵۸. میشل، کلام مسیحی، صص ۴۹ - ۵۰.

۵۹. میشل، کلام مسیحی، ص ۲۶.

کتاب‌هایی هستند که از جانب خداوند توسط روح القدس الهام شده‌اند و نویسندگان انجیل‌ها، براساس آنچه الهام شده و نه براساس اراده شخصی خود، انجیل‌ها را نوشته‌اند.^{۶۰} مسیحیان فقط به چهار انجیل، نه کمتر و نه بیشتر، عقیده دارند و اعتراف می‌کنند که تنها این چهار انجیل صحیح هستند، نه غیر آنها. زیرا جامعه مسیحیان نخستین، آنها را از جانب خدا می‌دانست. و از زمان قدیم این چهار انجیل که تاریخ زندگی عیسی مسیح را بیان می‌کند موسوم به اناجیل گردیدند. بدیهی و مسلم است که ایمان مسیحیت بر ایمان رسولان و شاگردان عیسی استوار است و مسیحیان نخستین هم عقیده داشتند که روح خدا هدایت را برای جامعه آنان (یعنی کلیسا) فراهم کرده است.^{۶۱}

میلر در این باره می‌گوید: «راجع به اناجیل اربعه بین مسیحیان در هیچ مقطعی اختلافی نبوده و هرگز انجیل دیگری وجود نداشته که کلیسا مایل شده باشد آن را در کتاب مقدس بگنجاند.»^{۶۲}

براین اساس انجیل نگاران، نخستین علمای الهیات در جامعه مسیحیت هستند. با آنکه هریک از انجیل‌ها به شیوه خاصی نوشته شده و با سه انجیل دیگر متفاوت است و اختلاف دارد، مسیحیان در مطالب مربوط به مسیح در اناجیل، هیچ تناقضی نمی‌بینند و همه اناجیل را در درجه یکسانی از اهمیت قرار می‌دهند.^{۶۳}

این نکته نیز قابل توجه است که اناجیل کنونی تنها شرح حال و احادیث حضرت عیسی (ع) را می‌آورند و انجیل نگاران هرگز چیزی از معارف و کلمات حکمت‌آمیز خود و عیسی مسیح (ع) را به پیام مستقیم الهی نسبت نمی‌دهند و ادعای ثبت پیامی که مستقیماً از خدا دریافت شده باشد، را ندارند.^{۶۴} البته مسیحیت خود حضرت عیسی (ع) را خدا می‌داند و برای او رسولانی معتقد است که برخی از آنان اناجیل و سایر بخشهای

۶۰. ولف، کری، درباره مفهوم انجیل‌ها، ترجمه محمد قاضی، ص ۱۰۵.

۶۱. میشل، همان، ص ۵۰؛ میلر، تاریخ کلیسای قدیم در رم و ایران، ص ۷۰.

۶۲. میلر، همان.

۶۳. میشل، همان، ص ۴۴.

۶۴. قرآن نیز از زبان اهل کتاب می‌گوید: «... اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شئ...». انعام: ۹۱.

عهد جدید را تألیف کرده‌اند. مسیحیان اناجیل و سایر بخشهای عهد جدید را به سبب محتوای آنها و الهامات روح القدس و مؤلفنهایی آن یعنی خداوند و نظارت همیشگی عیسی مسیح (ع) که اعلام کرده است،^{۶۵} و حیانی و آسمانی و مقدس می‌دانند و از نظر آنها همه آن کتاب‌ها پیام الهی تلقی می‌شود و براساس معیارهای کلامی خودشان به آنها ارزش الهی می‌دهند.^{۶۶}

ترتیب اناجیل اربعه در کتاب مقدس که در آغاز عهد جدید آمده است عبارتند از:

۱- انجیل متی (سیره و سخنان مسیح با تأکید بر پیشگویی‌های عهد عتیق).

۲- انجیل مرقس (قدیم‌ترین و کوتاه‌ترین کتاب سیره و سخنان مسیح)

۳- انجیل لوقا (سیره و سخنان مسیح با تکیه بر جزئیات).

۴- انجیل یوحنا (متأخرترین کتاب سیره و سخنان مسیح با تأکید بر فوق بشر بودن او). هرچند ترتیب اناجیل اربعه در عهد جدید، با انجیل متی می‌باشد، اما طبق اعتقاد رایج نخستین و قدیمی‌ترین انجیل، انجیل مرقس می‌باشد که تألیف آن به حدود سال ۶۰ میلادی برمی‌گردد. یعنی بطور تقریبی ۲۷ سال بعد از صعود عیسی مسیح (ع). از طرفی وی از حواریون و از شاگردان دوازده‌گانه عیسی (ع) نبوده. بلکه از حواریون و به عبارتی از شاگردان و یاران و دستیاران پطرس (شمعون) که اولین شاگرد عیسی (ع) بشمار می‌آید، محسوب می‌شود.^{۶۷}

عده‌ای با ذکر ادله براین اعتقادند که متن اولین انجیل چند بار تغییر یافته تا حکم به بطلان آن داده نشود و مورد ایراد و انتقاد قرار نگیرد.^{۶۸}

مسیحیان نخستین علاوه بر چهار انجیل مذکور و معروف، مبادرت به نوشتن اناجیل

۶۵. متی: ۲۸: ۲۰.

۶۶. توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۶۵، ۲۲۹ و ۲۳۱.

۶۷. توفیقی، همان، ص ۱۶۱؛ میشل، کلام مسیحی، صص ۴۴ - ۴۵.

۶۸. ولف، درباره مفهوم انجیل‌ها، ص ۱۸؛ دورانت، تاریخ تمدن، ص ۶۶؛ میلر، تاریخ کلیسای قدیم در رم و ایران، ص ۳۸.